

بررسی دلایل ارتکاب سرقت ادبی و راههای پیشگیری از آن در جامعه علمی ایران: دیدگاه سردبیران، اساتید و دانشجویان

رسول محمدحسین پور*

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه قم، قم، ایران

رضا باقری نویسی**

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه قم، قم، ایران

محمد افضلی شهری***

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه قم، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۱۸، تاریخ تصویب: ۹۶/۰۹/۰۴، تاریخ چاپ: دی ۱۳۹۶)

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی دلایل ارتکاب انواع سرقت ادبی و راهکارهای پیشگیری از آن از دیدگاه سردبیران مجلات علمی، اساتید و دانشجویان رشته‌های مرتبط با زبان انگلیسی در ایران پرداخته است. ۱۲ سردبیر، ۴۱ استاد و ۱۱۲ دانشجوی کارشناسی ارشد و دکتری با پاسخگویی به دو سوال تشریحی و پرسشنامه iThenticate از طریق ایمیل در این پژوهش شرکت کردند. نتایج نشان داد فقدان آموزش اصولی و فرهنگ‌سازی مناسب از سطوح پایه، رواج فرهنگ تنبلی و تقلب در میان ایرانیان، عدم آگاهی کافی از انواع سرقت ادبی و عواقب ارتکاب آن، اجبار اساتید و دانشجویان به ارائه مقالات و تکالیف فراتر از محدوده توانایی آنها برای ارتقا، کسب رتبه یا مدرک دانشگاهی بالاتر و سهولت ورود به مقطع ارشد و دکتری از عمده دلایل رواج سرقت ادبی در ایران بودند. فرهنگ‌سازی صحیح و اصولی از سطوح پایه، وضع قوانین سخت گیرانه و تنبیه جدی خاطیان و آموزش و اطلاع رسانی صحیح از مهمترین راهکارهای پیشنهادی شرکت کنندگان برای مقابله با سرقت ادبی بودند.

واژه‌های کلیدی: سرقت ادبی، پرسشنامه iThenticate، فرهنگ‌سازی صحیح و اصولی، دلایل ارتکاب سرقت ادبی، راههای پیشگیری از سرقت ادبی.

* Email: rmhosseinpur@gmail.com

** Email: re.baghery@gmail.com نویسنده مسئول:

*** Email: afzai4ster@gmail.com

۱- مقدمه

یکی از پیامدهای جدی انتشار سریع دانش، به‌خصوص با ظهور اینترنت، سرقت ادبی است. اگرچه قدمت سرقت ادبی به صدها سال پیش بر میگردد، اما از سال ۱۹۹۰ و عمدتاً به علت پیشرفت‌های بی‌سابقه در زمینه فناوری اطلاعات، سرقت ادبی به صورت نگرانی جدی جامعه دانشگاهی (هاوارد، ۲۰۰۷) ظهور کرده است. هاوارد (۱۹۹۵) عدم رعایت و پایبندی به اصول اخلاقی و یا ناآگاهی نسبت به قوانین استناد را، از عمده علل بدرفتاری علمی یا سرقت ادبی فردی دانشگاهی عنوان می‌کند. به رغم به رسمیت شناخته شدن حق کپی رایت در سراسر دنیا، به ویژه در غرب، سرقت ادبی همچون طاعونی همه‌گیر دامنگیر کشورهای مختلف در سطوح آموزشی گوناگون شده است.

طی سالیان اخیر، افزایش چشمگیری در خلق آثار و تولیدات علمی ایران به وجود آمده است؛ به طوری که در میان ۳۱ کشور برتر دارنده بیشترین تعداد مقالات چاپ شده پراستناد قرار گرفته است (حبیب‌زاده، ۲۰۰۸). سالانه پژوهشگران ایرانی تقریباً ۳۰۰۰۰ مقاله در مجلات علمی بین‌المللی منتشر می‌کنند، این تعداد تقریباً از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ حدود بیست برابر افزایش داشته است (شاه‌قاسمی و اخوان، ۲۰۱۵). در نتیجه این شتاب علمی، متأسفانه موارد ارتکاب سرقت ادبی نیز افزایش چشمگیری داشته است.

سرقت ادبی و مسائل مربوط به آن، توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است (مهدوی ظفرقندی، خوشرو و برکت، ۲۰۱۲) و تحقیقات بسیاری در این زمینه انجام شده است ولی طیف گسترده‌ای از تحقیقات صورت گرفته در زمینه سرقت ادبی، مربوط به رشته‌های علوم پزشکی هستند و مطالعات کمتری در حوزه علوم اجتماعی انجام گرفته است (احمدی ۲۰۱۴؛ مک نب و توماس، ۲۰۰۷؛ سایکس، ۲۰۰۹). در رشته‌هایی همچون آموزش زبان انگلیسی، زبان‌شناسی و زبان و ادبیات انگلیسی، تحقیقات حتی به تعداد انگشتان دو دست هم نمی‌رسند (احمدی، ۲۰۱۴) و نیاز به انجام تحقیق در این رشته‌ها، به شدت احساس می‌شود. در میان تحقیقات صورت گرفته در رشته‌های مرتبط با زبان انگلیسی، عمدتاً دیدگاه و نظرهای دانش‌آموزان و دانشجویان، مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است؛ درحالی‌که بسیاری از پژوهشگران معتقدند که با توجه به پیچیدگی‌های مقوله سرقت ادبی و علل ارتکاب آن، برای مبارزه با این پدیده شوم و کاهش آن، نه تنها دیدگاه و نظرهای دانش‌آموزان و دانشجویان، بلکه سایر دست اندرکاران جوامع علمی از قبیل معلمان، استادان دانشگاه‌ها و سردبیران نشریات علمی نیز می‌بایست مدنظر قرار داده شود (فلینت، کلگ و مک دونالد، ۲۰۰۶؛ شاترلند-اسمیت، ۲۰۰۸).

۲- پیشینه پژوهش

به‌رغم افزایش روزافزون تولیدات علمی (حبیب‌زاده، ۲۰۰۸)، تعداد دانشگاه‌ها، دانشجویان تحصیلات تکمیلی و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در ایران (صدیقی، ۲۰۱۴)، سرقت ادبی و اشکال مختلف بدرفتاری علمی، ضربه‌عظیمی برپیکره جامعه علمی و دانشگاهی ایران وارد ساخته است و چهره و شهرت بسیاری از دانشمندان، محققان، و پژوهشگران ایرانی را مخدوش کرده است. در برخی موارد، این پدیده شوم، اعتماد متقابل بین مجلات بین‌المللی و پژوهشگران ایرانی را تضعیف یا حتی کاملاً از بین برده است؛ برای مثال، استون (۲۰۱۶) در گزارشی از تهران که در مجله معروف ساینس به‌چاپ رسیده است، از وجود بازاری غیر قانونی برای خرید و فروش مقالات و پایان‌نامه‌ها در ایران خبر می‌دهد. او خاطر نشان می‌کند که هیچ قانون الزام‌آوری برای عملی و اجرایی کردن منع دانشجویان از خرید و فروش مقالات و پایان‌نامه‌ها در ایران وجود ندارد (خوشبختانه در مراحل پایانی نگارش این اثر پژوهشی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، لایحه‌ای تصویب کردند که به موجب آن، تولید و انتشار آثار علمی و دانشگاهی به منظور خرید و فروش غیراخلاقی و غیرقانونی جرم محسوب می‌شود). او در ادامه می‌افزاید این مسئله به امری کاملاً عادی و رایج در بسیاری از نقاط ایران، از جمله پایتخت، تهران، تبدیل شده است. اشخاصی حامل پلاکاردهای متنوع و متعدد در کنار دانشگاه تهران به راحتی قابل رؤیت و تشخیص هستند که به عابران پیاده و رهگذران قیمت‌های متفاوت برای خرید و فروش پایان‌نامه‌ها و مقالات می‌دهند؛ سپس او به نقل از مقامی مسئول و مطلع اظهار می‌دارد که در سال ۲۰۱۴ حدود ۵،۰۰۰ پایان‌نامه از مجموع پایان‌نامه‌های دفاع شده، به‌عبارتی حدود ۱۰٪ از تمام پایان‌نامه‌ها خرید و فروش و معامله شده‌اند.

در رویدادی دیگر کال اوی (۲۰۱۶) در بخش خبر نیچر خبر از اتفاقی نادر می‌دهد که در آن، ناشر بین‌المللی معتبر و مهم مقالات علمی-پژوهشی، در اقدامی کم‌سابقه ۵۸ مقاله نگارش شده ۲۸۲ محقق و پژوهشگر ایرانی را به‌رغم پذیرش و چاپ قبلی در مجلات بی.ام.سی و اشپرینگر از مجله خارج کرده و به نویسندگان آن‌ها بازگردانده است. ناشران حین بررسی‌های دقیق و مرور فرایند داوری‌ها، نشانه‌هایی از سرقت ادبی کشف کرده بودند که در تضاد با اصول حرفه‌ای آن‌ها بود و احتمال می‌دادند ارزش‌های اخلاقی مجله به مخاطره بیفتد؛ از این‌رو دست به این اقدام کم‌سابقه در نوع خود زده‌اند.

کراما، گربیش، ومارتلو (۲۰۱۶) به نمونه‌ای کاملاً جدید از بدرفتاری یا رفتار غیراخلاقی علمی اشاره کرده‌اند. در این عمل زشت و غیراخلاقی، چند محقق ایرانی برای انتشار مقاله در مجله‌ای معتبر، هویت چهره شناخته شده‌ای را به سرقت بردند. آن‌ها پس از هک کردن آدرس پست الکترونیکی مؤلفی مشهور و شناخته شده‌ای، مقاله‌ای تحت نام او و خودشان به مجله‌ای معتبر و بین‌المللی ارسال کردند. وقتی سردبیر مجله با نویسنده معروف تماس می‌گیرد، وی ارسال چنین مقاله‌ای را به شدت انکار می‌کند. مجله تصمیم می‌گیرد به بازی ادامه دهد، تا زمانی که هویت واقعی متقلبین برای عموم فاش و در اصطلاح، میچ آن‌ها گرفته شود. مجله روال عادی فرایند ارسال مقاله را ادامه می‌دهد و وانمود می‌کند که مقاله‌ارسالی، تحت نام مؤلف مشهور، با انجام اصلاحات جزئی پذیرفته شده است. این تصمیم از طریق سیستم ارسال الکترونیکی، به افراد به اصطلاح نویسنده منتقل می‌شود. این بار همان مقاله قبلی با انجام اصلاحات جزئی خواسته شده و با نام مؤلفان جدید و بدون نام مؤلف مشهور، در فاصله زمانی بسیار کوتاه و به سرعت تمام، به سردبیران حیرت‌زده مجله ارسال می‌شود. سردبیر به نویسندگان واقعی مقاله نامه‌ای می‌نویسد مبنی بر اینکه اقدام کلاهبردارانه و ناپسند آن‌ها آشکار شده و حال باید پاسخ‌گوی عمل نادرست و نابخردانه خود و منتظر عواقب آن باشند.

۳- تحقیقات انجام شده درباره سرقت ادبی در ایران

با توجه به افزایش موارد ارتکاب سرقت ادبی در سال‌های اخیر، تعدادی از پژوهشگران سعی کرده‌اند به مطالعه این پدیده شوم در محیط علمی ایران بپردازند. سهرابی، قلی‌پور، و محمد اسماعیلی (۲۰۱۱) در پژوهشی تلاش کردند تا دریابند از نظر دانشجویان ایرانی، دسترسی به فناوری روز و اینترنت چه تأثیراتی بر سرقت ادبی دارد. آن‌ها با استفاده از روشی کیفی و مصاحبه نیمه ساختاری ۲۰ دانشجو به نتایج ذیل رسیدند: ارتکاب سرقت ادبی برای اجتناب از عدم قطعیت (اطمینان‌طلبی)، گرایش به استفاده از میان‌بر برای تحقق پیشرفت و موفقیت، مدرک‌گرایی، الگوبرداری از اعضای هیئت علمی، و سرقت ادبی به نام عدالت. همچنین بررسی داده‌های برگرفته از ۱۸۰ دانشجو نشان داد که ویژگی شخصیتی همچون وجدان کاری فرد را از ارتکاب سرقت ادبی با استفاده از فناوری روز و اینترنت باز می‌دارد. احمدی (۲۰۱۲) در تحقیقی به بررسی وضعیت تقلب در امتحانات ۱۳۲ زبان‌آموز ایرانی پرداخت. نتایج پژوهش حکایت از رایج بودن تقلب در امتحانات بین زبان‌آموزان دانشگاهی

ایران داشت. دانشجویان عدم آمادگی برای امتحان، مشکل بودن امتحانات، کمبود وقت، و مدرسان آسان‌گیر و بی‌توجه را مهم‌ترین علل این رفتار خود عنوان کردند. این پژوهش همچنین نشان داد گفت‌وگو با افراد مجاور، کپی‌برداری از پاسخ‌های دیگر دانشجویان، و استفاده از ایما و اشاره رایج‌ترین روش‌های تقلب بین زبان‌آموزان ایرانی محسوب می‌شوند. رضائزاد و رضایی (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی برداشت‌ها، علل و میزان آگاهی دانشجویان زبان ایرانی از سرقت ادبی و نگرش استادان آن‌ها در این زمینه پرداختند. ۱۲۲ دانشجوی مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته مترجمی، ادبیات، زبان‌شناسی، و آموزش زبان انگلیسی، با تکمیل پرسشنامه در این تحقیق شرکت کردند. به‌طورکلی، نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که دانشجویان زبان، دیدگاه‌های متفاوتی به مفهوم سرقت ادبی داشتند و استفاده از کلمات دیگران به عنوان کلمات خود را سرقت ادبی می‌دانستند ولی استفاده از ایده و نظرهای دیگران را به‌صورت ایده خود را سرقت ادبی قلمداد نمی‌کردند. دانشجویان کپی‌برداری از کار علمی دوست خود را عملی نادرست دانستند و بر این باور بودند که استادان به جای بررسی دقیق و موشکافانه، در مورد سارقان ادبی، صرفاً به حدس و گمان در این مورد بسنده می‌کنند. این پژوهش همچنین نشان داد که دانشجویان ایرانی، به علل مختلف، دست به سرقت ادبی می‌زنند ولی سهولت سرقت ادبی، عمده‌ترین علت عنوان شده بود. احمدی (۲۰۱۴) در تحقیقی به بررسی وضعیت سرقت ادبی در محیط دانشگاهی ایران پرداخت. وی به‌طور مشخص نظرهای ۱۳۲ زبان‌آموز دانشگاهی ایرانی در مورد انواع سرقت ادبی و علل متفاوت آنان، برای استفاده از سرقت ادبی را مورد مطالعه و پژوهش قرار داد و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده کرد. نتایج تحقیق او بر رایج بودن سرقت ادبی و حتی فقدان نگرش منفی نسبت به آن بین دانشجویان ایرانی دلالت داشتند. یافته‌های او همچنین نشان دادند که جنسیت، وضعیت تأهل، و وضعیت شغلی تأثیر معناداری بر دیدگاه دانشجویان ایرانی در مورد سرقت ادبی ندارد ولی سطح علمی، رشته تحصیلی، و سن آنان، نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کند. امیری و رزمجو (۲۰۱۶) با جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاری در مطالعه‌ای کیفی، به بررسی نظرهای دانشجویان مقطع کارشناسی، در مورد سرقت ادبی و علل ارتکاب آن، و میزان آگاهی و مطلع بودن آنان از سرقت ادبی پرداختند. در پژوهش آن‌ها، موارد ذیل عمده‌ترین علل ارتکاب سرقت ادبی، از منظر دانشجویان بودند: ناآگاهی و نداشتن اطلاعات کافی در مورد سرقت ادبی، مهارت محدود و ضعیف در نوشتن و تحقیق، فشار

همکاران، فشار مضاعف برای چاپ مقالات با کیفیت بالا، و سهولت سرقت ادبی. بابایی و نژادقنبر (۲۰۱۷) به بررسی توانایی زبان آموزان ایرانی در تشخیص سرقت ادبی در متون نوشتاری، درک آنان از ابعاد اخلاقی آن، دیدگاه و نگرش آنان به سارقان ادبی و علل ارتکاب سرقت ادبی از دیدگاه زبان آموزان پرداختند. با استفاده از پرسشنامه تکمیل شده ۱۵۶ دانشجوی زبان انگلیسی، اطلاعات به دو روش کمی و کیفی جمع‌آوری شد. تحلیل کمی داده‌ها نشان داد دانشجویان زبان انگلیسی از مفهوم سرقت ادبی، درک نسبی دارند ولی در تشخیص سرقت ادبی در متون نوشتاری، عملکرد متفاوت و متناقضی داشتند. تحلیل کیفی داده‌ها به علل ذیل، برای سرقت ادبی دانشجویان زبان اشاره کردند: نداشتن آگاهی، شناخت، و آشنایی با مفهوم سرقت ادبی، مهارت محدود و ضعف نوشتاری دانشجویان زبان، سهل انگاری، بی‌توجهی، و آسان‌گیری معلمان، محدودیت و کمبود زمان دانشجویان، فریبکاری و تنبلی دانشجویان، ساختار نظام آموزش عالی و سیاست‌های غلط آن، انتظارات و توقعات گاه بیجای معلمان، مهارت زبانی محدود و اندک زبان آموزان، و نداشتن اطلاع و آگاهی دقیق دانشجویان زبان از مهارت نوشتن.

نگاهی اجمالی به تحقیقات انجام شده در محیط‌های آموزشی ایران، نشان می‌دهد که بیشتر آن‌ها بر روی دیدگاه و نگرش دانشجویان بر سرقت ادبی متمرکز بوده‌اند. بسیاری از پژوهشگران معتقدند که با توجه به پیچیدگی‌های مقوله سرقت ادبی و علل ارتکاب آن (دی واس و روساتی، ۲۰۰۲؛ عباسی و گریوز، ۲۰۰۸)، برای مبارزه با این پدیده رو به رشد، نه تنها دیدگاه و نظر دانشجویان، بلکه سایر دست اندرکاران جوامع علمی، از قبیل استادان دانشگاه‌ها و سردبیران نشریات علمی نیز میبایست مدنظر قرار داده شود (فلینت و همکاران ۲۰۰۶؛ شاترلند-اسمیت، ۲۰۰۸). بنابراین، پژوهش حاضر، با طرح سؤالات ذیل تلاشی است تا این خلأ موجود را پر کند:

۱. از دیدگاه سردبیران، استادان و دانشجویان، کدام یک از موارد سرقت ادبی، شیوع بیشتری در ایران دارند؟
۲. از دیدگاه سردبیران، استادان و دانشجویان، کدام یک از موارد سرقت ادبی اهمیت و جدیت بیشتری در ایران دارند؟
۳. چرا سرقت ادبی در ایران شیوع بالایی دارد؟
۴. راهکارهای غلبه بر سرقت ادبی در ایران کدام‌اند؟

۴- روش پژوهش

۴-۱- شرکت کنندگان

در این پژوهش، ۱۲ سردبیر فعلی و سابق نشریات مرتبط با زبان انگلیسی در ایران، ۴۱ استاد زبان انگلیسی با گرایش‌های آموزش زبان انگلیسی، زبان‌شناسی، مترجمی و زبان ادبیات انگلیسی، ۹۵ دانشجوی کارشناسی ارشد و ۱۷ نفر دانشجوی دکتری رشته‌های مختلف زبان انگلیسی شرکت کردند. شرکت‌کنندگان مذکر و مؤنث تحقیق حاضر، در دانشگاه‌های دولتی، آزاد و پیام نور مشغول به تدریس یا تحصیل بودند. همه شرکت‌کنندگان از طریق ایمیل، به دو سؤال تشریحی و سپس پرسشنامه‌ای پاسخ دادند. در حین ارسال، ایمیل به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات و پاسخ‌های آن‌ها، صرفاً به منظور پیشبرد اهداف تحقیق است و در اختیار دیگران قرار نخواهد گرفت.

۴-۲- ابزار پژوهش

برای جمع‌آوری داده‌ها دو سؤال تشریحی به همراه پرسشنامه iThenticate به صورت الکترونیکی به شرکت‌کنندگان ارسال شدند. علت شیوع و رواج سرقت ادبی در ایران و راهکارهای مبارزه با آن، مضامین این دو سؤال تشریحی بودند. iThenticate پیشگام و سردمدار فناوری تشخیص و پیشگیری از سرقت ادبی است که پژوهشگران و مؤسسات علمی-تحقیقاتی برای اطمینان از اصالت آثار خود و سایر پژوهشگران، قبل از انتشار مورد استفاده قرار می‌دهند. در اوت ۲۰۱۳، iThenticate در نظرسنجی اینترنتی از محققان علمی کوشید تا درک، آگاهی و تجربه آنان را از انواع مختلف سرقت ادبی مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد. این نظرسنجی به ۱۰ نوع متمایز از سرقت ادبی اشاره داشت و از پاسخ دهندگان خواسته بود تا اهمیت و جدی بودن هر نوع سرقت ادبی را رتبه‌بندی و میزان یا نرخ رایج بودن آن‌ها را دقیقاً معین کنند. در این نظرسنجی از پاسخ دهندگان خواسته شده بود تا میزان اهمیت و جدی بودن و همچنین شیوع هر یک از انواع سرقت ادبی را در مقیاس اندازه‌گیری بین ۱ تا ۱۰ مشخص کنند. عدد ۱ نشان دهنده سرقت ادبی با حداقل جدیت و رواج و عدد ۱۰ نشان دهنده سرقت ادبی با حداکثر جدیت و رواج بود. این پرسشنامه که طراحان این نرم‌افزار، طراحی و پایایی و اعتبار آن را مورد تأیید قرار داده، شامل موارد زیر است:

منبع ثانویه (Secondary Source)

سرقت ادبی از منبع ثانویه زمانی اتفاق می‌افتد که محقق صرفاً به نقل منابع اولیه موجود در منبع ثانویه اکتفا و از ارجاع به خود منبع ثانویه خودداری کند.

منبع نامعتبر (Invalid Source)

ارجاع به منبع نامعتبر زمانی رخ می‌دهد که محقق از منبعی نادرست یا منبعی که اصلاً وجود خارجی ندارد، استفاده کند.

کپی برداری از تألیفات قبلی خود (Duplication)

این نوع کپی برداری یا نسخه برداری زمانی اتفاق می‌افتد که محقق، دوباره از بخش‌های مختلف مقالات چاپ شده قبلی خود، بدون ارجاع صحیح (ذکر منبع یا منابع) کپی برداری کند.

نقل بیان و تفسیر (Paraphrasing)

نقل بیان و تفسیر به معنی استفاده (بهره برداری) از نوشته یا تحقیق فردی دیگر و تغییر کلمات آن است تا نوشته یا تحقیق اصالتاً ایده خود به نظر برسد. این در حالی است که در واقع نام منبع اصلی که کلمات، الفاظ و ایده‌ها از آن نشئت گرفته شده اصلاً ذکر نمی‌شود.

تحقیق تکراری (Repetitive Research)

تحقیق تکراری استفاده از داده‌ها و بخش روش‌شناسی تحقیق بسیار مشابهی است که در گذشته انجام گرفته و از میزان هم پوشانی بالایی برخوردار هستند؛ بدون اینکه به درستی به مطالعه اول ارجاع داده شود.

چاپ تکراری مقاله (Replication)

محقق مقاله‌ای را به چندین مجله به‌طور همزمان، ارسال می‌کند و بعد از گرفتن پذیرش چاپ در یکی از مجلات، به سایر مجلات اطلاع‌رسانی نمی‌کند و در نهایت، مقاله در دو مجله چاپ می‌شود. چاپ مقاله تکراری می‌تواند در مواردی، کاملاً اتفاقی صورت پذیرد؛ زمانیکه محقق صرفاً در جهت افزایش احتمال چاپ مقاله، آن را به چندین مجله، به‌طور

همزمان ارسال می‌کند و قبل از اینکه بتواند ارسال مقاله را ملغی کند، مقاله پذیرش و چاپ می‌شود.

اعتباردهی نادرست (Misleading Attribution)

عدم ذکر نام (اعتباردهی) نویسندگانی که سهمی خواه اندک و ناچیز و خواه بزرگ و قابل توجه، در کامل شدن مقاله یا اثر علمی داشته‌اند یا بالعکس ذکر نام افرادی که هیچ‌گونه نقشی در نگارش یا تکمیل مقاله نداشته‌اند، اعتباردهی نادرست و گمراه‌کننده محسوب می‌شود.

همکاری غیراخلاقی (Unethical Collaboration)

در این نوع از سرقت ادبی، معمولاً محققى که با سایر محققان بر روی پروژه یا مقاله‌ای همکاری می‌کند، ایده، اثر یا نتیجه‌ای را که محصول کار گروهی و اشتراکی است، بدون اشاره به نام سایر محققان و ماهیت اشتراکی اثر به نام خود چاپ می‌کند.

کپی برداری از متون دیگران (Verbatim Plagiarism)

کپی برداری از متون دیگران به معنی کپی کردن کامل و بدون تغییر کلمات دیگری، بدون ارجاع صحیح و نقل قول مناسب است.

سرقت ادبی کامل (Complete Plagiarism)

سرقت ادبی کامل یا محض اشاره دارد به نوعی افراطی از سرقت ادبی که در آن سارق ادبی مقاله یا اثر علمی محققى را به‌طور کامل به نام خود، به مجله‌ای ارسال می‌کند و حق چاپ آنرا دریافت می‌کند (iThenticate, 2013).

۴-۳- روش اجرای پژوهش

برای انجام این پژوهش، پرسشنامه (iThenticate (2013) به همراه دوسؤال تشریحی، به‌صورت الکترونیکی به تعدادی از سردبیران، استادان و دانشجویان مرتبط با رشته‌های زبان انگلیسی در دانشگاه‌های دولتی، آزاد، و پیام نور ارسال شد. در حین ارسال ایمیل به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات و پاسخ‌های آن‌ها، صرفاً به منظور پیشبرد اهداف تحقیق است و در دسترس دیگران قرار نخواهد گرفت. در مجموع، ۱۶۵ نفر به پرسشنامه و

سؤالات تشریحی پاسخ دادند. پس از بررسی کمی اطلاعات به دست آمده از طریق پرسشنامه، میزان اهمیت و شیوع ۱۰ نوع متمایز سرقت ادبی از دیدگاه سردبیران مجلات علمی، استادان و دانشجویان گرایش‌های مختلف زبان انگلیسی مشخص شد.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از سؤالات تشریحی، روش تجزیه و تحلیل موضوعی (پلنکو کلارک & کرس ول، ۲۰۱۴) که روشی متعارف برای تحلیل اطلاعات کیفی است، مورد استفاده قرار گرفت. محققان این پژوهش، همه پاسخ‌های تشریحی شرکت‌کنندگان را به طور جداگانه و چندین بار، با دقت مورد بررسی قرار دادند و همه نظریات شاخص و متمایز را شناسایی و استخراج کردند. پایایی و قابلیت اطمینان پاسخ‌ها بیش از ۹۱٪ بود و سایر موارد اختلاف با مشورت بین محققان مرتفع شد.

۵- نتایج و بحث

۱-۵- پرسشنامه iThenticate

برای ارزیابی دیدگاه و نگرش سردبیران مجلات علمی، استادان و دانشجویان به ۱۰ نوع متمایز سرقت ادبی در ایران، پرسشنامه iThenticate مورد استفاده قرار گرفت. در این پرسشنامه از پاسخ دهندگان خواسته شد تا میزان شایع بودن و جدی بودن هر یک از انواع سرقت ادبی را در مقیاس اندازه‌گیری بین ۱ تا ۱۰ مشخص کنند.

جدول شماره ۱ میزان شیوع و اهمیت انواع سرقت ادبی در ایران را از نظر سردبیران مجلات علمی نشان می‌دهد. از دیدگاه سردبیران، نقل بیان و تفسیر با ۹۰٪، استفاده از منبع ثانویه با ۸۸٪، کپی برداری از متون دیگران با ۶۶٪، و کپی برداری از تألیفات قبلی خود با ۶۵٪ در میان شایع‌ترین انواع سرقت ادبی در ایران قرار می‌گیرند. این در حالی است که سرقت ادبی کامل با ۱۱٫۵٪ و ذکر منبع نامعتبر با ۳۰٪ از شیوع و رواج کمتری برخوردارند.

این جدول، علاوه بر میزان شیوع، میزان جدی بودن و اهمیت انواع مختلف سرقت ادبی را نیز از دیدگاه سردبیران مجلات علمی نمایش می‌دهد. از نظر سردبیران، سرقت ادبی کامل (۱۰۰٪)، چاپ تکراری مقالات (۹۵٪)، اعتباردهی نادرست (۸۷٫۵٪)، همکاری غیراخلاقی (۸۴٪)، و انجام تحقیق تکراری (۸۲٪) به ترتیب در میان جدی‌ترین انواع سرقت ادبی قرار می‌گیرند. از دیدگاه آن‌ها، ذکر منبع نامعتبر با ۵۰٪، کپی برداری از تألیفات قبلی خود با ۵۲٪، و نقل بیان و تفسیر با ۵۵٪ از جدی‌ترین سرقت‌ها هستند.

جدول شماره ۱. دیدگاه سردبیران نشریات علمی، استادان دانشگاه و دانشجویان درباره میزان شیوع و اهمیت انواع مختلف سرقت ادبی در ایران

اهمیت و جدیت سرقت ادبی				شیوع سرقت ادبی			
دانشجویان	استادان	سردبیران		دانشجویان	استادان	سردبیران	
%۸۹	%۹۷	۱۰۰٪	سرقت ادبی کامل	%۹۶	%۹۱	۹۰٪	۱ نقل بیان و تفسیر
%۵۹	%۸۱	۹۵٪	چاپ تکراری مقاله	%۸۳	%۷۹	۸۸٪	۲ منبع ثانویه
%۶۳	%۷۹	۸۷,۵٪	اعتباردهی نادرست	%۹۱	%۶۶	۶۶٪	۳ کپی برداری از متون دیگران
%۶۲	%۵,۸۰	۸۴٪	همکاری غیراخلاقی	%۴۴	%۵,۷۷	۶۵٪	۴ کپی برداری از تألیفات قبلی خود
%۶۱	%۸۶	۸۲٪	تحقیق تکراری	%۵,۴۰	%۶۱	۵۵٪	۵ اعتباردهی نادرست
%۴۱	%۷۴	۷۵٪	کپی برداری از متون دیگران	%۵,۴۴	%۶۲	۵۳٪	۶ همکاری غیراخلاقی
%۳۹	%۴۹	۵۸٪	منبع ثانویه	%۵,۶۱	%۴۱	۴۵٪	۷ تحقیق تکراری
%۳۷	%۴۷	۵۵٪	نقل بیان و تفسیر	%۴۹	%۲۳	۳۵٪	۸ چاپ تکراری مقاله
%۵,۲۲	%۵,۳۱	۵۲٪	کپی برداری از تألیفات قبلی خود	%۵۲	%۲۲	۳۰٪	۹ منبع نامعتبر
%۵۶	%۴۲	۵۰٪	منبع نامعتبر	%۲۳	%۵,۱۰	۱۱,۵٪	۱۰ سرقت ادبی کامل

علاوه بر دیدگاه سردبیران، نظر استادان و دانشجویان گرایش‌های مختلف زبان انگلیسی، در مورد جدیت و شیوع انواع مختلف سرقت ادبی در ایران نیز مورد بررسی قرار گرفتند. جدول شماره ۱، علاوه بر سردبیران به دیدگاه استادان درباره شیوع و جدیت انواع مختلف سرقت ادبی در ایران نیز می‌پردازد.

استادان زبان انگلیسی نقل بیان و تفسیر را با ۹۱٪، استفاده از منبع ثانویه را با ۷۹٪، کپی برداری از تألیفات قبلی خود را با ۷۷,۵٪، کپی برداری از متون دیگران را با ۶۶٪، همکاری غیراخلاقی را با ۶۲٪، و اعتباردهی نادرست را با ۶۱٪ شایع‌ترین انواع سرقت ادبی در ایران

قلمداد کردند. این در حالی است که از نظر استادان، سرقت ادبی کامل (۱۰,۵٪)، ذکر منبع نامعتبر (۲۲٪)، و چاپ تکراری مقالات (۲۳٪) شیوع کمتری داشتند.

میزان جدیت و اهمیت ارتکاب انواع سرقت ادبی از دیدگاه استادان نیز مورد بررسی قرار گرفت. جدول بالا نشان می‌دهد که سرقت ادبی کامل (۹۷٪)، انجام تحقیق تکراری (۸۶٪)، چاپ تکراری مقالات (۸۱٪)، همکاری غیراخلاقی (۸۰,۵٪)، اعتباردهی نادرست (۷۹٪)، و کپی برداری از متون دیگران (۷۴٪) به ترتیب جدی‌ترین انواع سرقت ادبی در ایران از دیدگاه استادان رشته‌های مختلف زبان انگلیسی محسوب می‌شوند. در مقابل، از دیدگاه آن‌ها کپی برداری از تألیفات قبلی خود (۳۱,۵٪)، ذکر منبع نامعتبر (۴۲٪)، و نقل بیان و تفسیر (۴۷٪) در مقایسه با سایر موارد سرقت ادبی، جدیت و اهمیت کمتری دارند.

میزان شیوع و همچنین جدیت و اهمیت ارتکاب انواع سرقت ادبی در ایران، از دیدگاه دانشجویان رشته‌های مختلف زبان انگلیسی نیز مورد بررسی قرار گرفت. جدول فوق بیان‌کننده میزان شیوع و اهمیت انواع سرقت ادبی از نظر دانشجویان است. همان‌طور که جدول بالا نشان می‌دهد، شایع‌ترین انواع سرقت ادبی در ایران، از نظر دانشجویان رشته‌های زبان انگلیسی، به ترتیب نقل بیان و تفسیر (۹۶٪)، کپی برداری از متون دیگران (۹۱٪)، استفاده از منبع ثانویه (۸۳٪)، انجام تحقیق تکراری (۵,۶۱٪)، و ذکر منبع نامعتبر (۵۲٪) هستند. از طرف دیگر، از دیدگاه دانشجویان، سرقت ادبی کامل (۲۳٪)، اعتباردهی نادرست (۴۰,۵٪)، و کپی برداری از تألیفات قبلی خود (۴۴٪) شیوع کمتری نسبت به سایر انواع سرقت ادبی دارند.

جدول شماره ۱ همچنین نشان می‌دهد که از نظر دانشجویان رشته‌های متفاوت زبان انگلیسی، جدی‌ترین انواع سرقت ادبی به ترتیب سرقت ادبی کامل (۸۹٪)، اعتباردهی نادرست (۶۳٪)، همکاری غیراخلاقی (۶۲٪)، انجام تحقیق تکراری (۶۱٪)، و چاپ مقاله تکراری (۵۹٪) هستند. از نظر دانشجویان، کپی برداری از تألیفات قبلی خود (۲۲,۵٪)، نقل بیان و تفسیر (۳۷٪)، و استفاده از منبع ثانویه (۳۹٪) نسبت به سایر انواع سرقت ادبی، جدیت و اهمیت کمتری دارند.

بسیاری از محققان معتقدند که با توجه به پیچیدگی‌های مقوله سرقت ادبی و علل ارتکاب آن، برای مبارزه با این پدیده شوم و کاهش آن، نه تنها دیدگاه و نظر دانش‌آموزان و دانشجویان، بلکه سایر دست‌اندرکاران محیط‌های علمی، از قبیل معلمان و استادان دانشگاه نیز می‌بایست مد نظر قرار داده شود (فلینت و همکاران، ۲۰۰۶؛ ساترلند-اسمیت، ۲۰۰۸). از این‌رو پژوهش حاضر، از منظر و دیدگاه سردبیران، استادان و دانشجویان رشته‌های مرتبط با زبان

انگلیسی، میزان شیوع و جدی بودن ۱۰ نوع متمایز از انواع سرقت ادبی را در محیط‌های علمی ایران، مورد بررسی و ارزیابی قرار داده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از دیدگاه هر سه گروه تقریباً همه موارد سرقت ادبی (به جز سرقت ادبی کامل) رواج نسبتاً زیادی در ایران دارند.

نگاهی اجمالی به یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود تشابهاتی بین هر سه گروه، نظر سردبیران و استادان درباره شیوع انواع سرقت ادبی به هم نزدیک‌تر است. همسو با برخی تحقیقات انجام شده در زمینه سرقت ادبی، در ایران (احمدی، ۲۰۱۴) نقل بیان و تفسیر شایع‌ترین نوع سرقت ادبی از دیدگاه هر سه گروه تلقی شده است. به علت درک سطحی و عدم شناخت صحیح از سرقت ادبی در ایران، بسیاری از پژوهشگران مبتدی، معتقدند که با تغییر کلمات و ساختار جملات، نیازی به ذکر منبع ندارند (امیری و رزمجو، ۲۰۱۶؛ بابایی و نژادقنبر، ۲۰۱۷). اما برخی دیگر از محققان (پکوراری، ۲۰۰۳؛ هووارد، ۱۹۹۳) با نگاه خوش‌بینانه‌تری به مقوله نقل بیان و تفسیر می‌نگرند و آن را اولین گام‌ها و تلاش‌های پژوهشگران مبتدی، برای نگارش صحیح قلمداد می‌کنند.

استفاده از منبع ثانویه و ذکر منابع اولیه موجود در آن، بدون اشاره به خود منبع ثانویه از دیدگاه سردبیران و استادان، دومین شیوه و از منظر دانشجویان سومین روش رایج سرقت ادبی بود. درحالی‌که کپی برداری از متون دیگران، از دیدگاه دانشجویان دومین شیوه و از دیدگاه سردبیران سومین و استادان چهارمین شیوه رایج سرقت ادبی قلمداد شد. سرقت ادبی منبع ثانویه مؤلفان منبع ثانویه را از حقوق معنوی خود محروم می‌کند. رواج این نوع سرقت ادبی در ایران، از نظر هر سه گروه شرکت‌کننده در این تحقیق نشان می‌دهد که یا مواردی از قبیل حق کپی‌رایت و حقوق مالکیت فکری در محیط‌هایی از قبیل ایران و ژانرهای آشنایی نیستند (عباسی، اکبری و گریوز، ۲۰۰۶؛ شی، ۲۰۰۴) و یا اینکه نویسندگان کشورهای شرقی از قبیل ایران معتقدند که چنین حقوقی عمدتاً در کشورهای غربی رعایت می‌شوند و لزومی برای رعایت آن‌ها در محیط ایران وجود ندارد (هایلند، ۲۰۰۱؛ مکسول، کرتیس و واردانگا، ۲۰۰۸؛ یوسف و مسروم، ۲۰۱۱).

کپی برداری از متون دیگران که از دیدگاه دانشجویان به مثابه دومین شیوه رایج سرقت ادبی محسوب شده بود، یکی از شایع‌ترین شیوه‌های سرقت ادبی، به‌خصوص در میان دانشجویان است که به سهولت از طریق نرم‌افزارهای تشخیص سرقت ادبی قابل تشخیص است. به نظر می‌رسد همان‌طور که ما، یونگ لو، ترنر، و وان (۲۰۰۷) خاطر نشان کردند بسیاری از

پژوهشگران مبتدی معتقدند که کپی کردن کامل یک یا دو جمله، بدون ذکر منبع از لحاظ علمی بلامانع است. نبود آگاهی کامل از عواقب ارتکاب سرقت ادبی (بابایی و نژادقنبر، ۲۰۱۷؛ زمانی، عظیمی و سلیمانی، ۲۰۱۲؛ ویلر، ۲۰۰۹) و سهولت انجام سرقت ادبی، به واسطه دسترسی به اینترنت (عباسی و گریوز، ۲۰۰۸؛ فلاوردیو و لی، ۲۰۰۷؛ رضا نژاد و رضایی، ۲۰۱۳) از عمده‌ترین علل شیوع این نوع از سرقت ادبی هستند.

کپی برداری از تألیفات قبلی خود، اعتباردهی نادرست و همکاری غیراخلاقی در تألیف مقالات علمی، از دیدگاه سردبیران و استادان، در جایگاه‌های بعدی، شایع‌ترین روش‌های سرقت ادبی قلمداد شدند. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که معمولاً چنین مواردی از سرقت ادبی، در بین پژوهشگران حرفه‌ای‌تر رایج است؛ برای مثال، کپی برداری از تألیفات قبلی خود، مستلزم داشتن تألیفات قبلی است و یا اینکه اعتباردهی نادرست، معمولاً در مواردی، مشاهده می‌شود که دانشجویان تحصیلات تکمیلی، در نگارش و تکمیل یک مقاله علمی با استادان خود، همکاری داشته باشند ولی نام آن‌ها در مقاله ذکر نشود.

از منظر دانشجویان، مواردی از قبیل انجام تحقیق تکراری، ذکر منبع نامعتبر و چاپ تکراری مقالات، به‌مثابه دیگر روش‌های شایع سرقت ادبی معرفی شدند که به وضوح بیان‌کننده نبود اطلاع کافی و کامل آن‌ها از عواقب ارتکاب چنین موارد مهمی از سرقت ادبی است. این در حالی است که بروز چنین مواردی، در میان پژوهشگران حرفه‌ای‌تر که اطلاعات بیشتری درباره سرقت ادبی و عواقب ارتکاب آن دارند، کمتر است؛ برای مثال، پژوهشگران باتجربه‌تر مانند سردبیران نشریات علمی و استادان دانشگاه‌ها به این امر واقف هستند که چاپ تکراری یک مقاله در چندین نشریه علمی یا انجام یک تحقیق تکراری، می‌تواند منجر به ورود اسم آن‌ها در فهرست سیاه نشریات علمی شود و حیثیت علمی آن‌ها را لکه‌دار کند.

در میان انواع مختلف سرقت ادبی، سرقت ادبی کامل از دیدگاه هر سه گروه شرکت‌کننده، کمترین شیوع را داشت. به نظر می‌رسد که اکثر شرکت‌کنندگان به جدیت و حساسیت این نوع از سرقت ادبی واقف بوده‌اند. نتایج سایر تحقیقات انجام‌شده در زمینه سرقت ادبی نیز نشان می‌دهد که سرقت ادبی کامل، شیوع کمتری نسبت به سایر روش‌ها در جوامع علمی دارد (احمدی، ۲۰۱۴؛ جونز، ۲۰۱۱؛ رضانژاد و رضایی، ۲۰۱۳).

در این مطالعه، علاوه بر شیوع و رواج انواع سرقت ادبی در ایران، میزان جدی بودن و اهمیت آن‌ها از دیدگاه شرکت‌کنندگان نیز ارزیابی و بررسی شد. برخی از پژوهشگران نظیر مکسول و همکاران (۲۰۰۸) معتقدند که نظر و دیدگاه دانشجویان، نسبت به میزان اهمیت و

جدی بودن مقوله سرقت ادبی می‌تواند یکی از عوامل تأثیرگذار در ارتکاب آن باشد. آن‌ها خاطر نشان می‌کنند که ناچیز شمردن و جدی نپنداشتن سرقت ادبی، منجر به افزایش ارتکاب آن خواهد شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در مجموع، سردبیران نسبت به ارتکاب همه موارد سرقت ادبی، حساسیت بیشتری نشان دادند و در مقایسه با استادان و دانشجویان ارتکاب آن‌ها را تخطی جدی و مهم قلمداد کردند. استادان نیز در مجموع، در مقایسه با دانشجویان حساسیت بیشتری نسبت به ارتکاب موارد مختلف سرقت ادبی نشان دادند. این نتیجه بیان‌کننده این مطلب است که افزایش آگاهی از تبعات ارتکاب سرقت ادبی، می‌تواند منجر به افزایش حساسیت نسبت به ارتکاب آن‌ها و در نتیجه، کاهش بروز سرقت ادبی شود؛ برای مثال، در این پژوهش سردبیران به واسطه موقعیت خود در نشریات علمی و همچنین به علت سروکار داشتن با اموری از قبیل پذیرش، داوری و چاپ مقالات از آگاهی نسبی، نسبت به اصول نگارش صحیح و اخلاقی برخوردارند و به همین علت در مقایسه با سایرین، ارتکاب همه موارد سرقت ادبی را امری جدی و بااهمیت قلمداد کردند. در حالی که دانشجویان به علت کمبود تجربه و عدم آشنایی کامل با اصول نگارش صحیح و اخلاقی، اهمیت و جدیت کمتری برای ارتکاب موارد مختلف سرقت ادبی قائل شده‌اند. پژوهش‌های متعددی که در گذشته صورت گرفته‌اند، این یافته را تأیید می‌کنند. احمدی (۲۰۱۴) دریافت که دانشجویان کارشناسی نسبت به دانشجویان کارشناسی ارشد، بیشتر مرتکب سرقت ادبی می‌شوند. او عدم آگاهی از اصول نگارش صحیح را عمده‌ترین علت این یافته بیان کرد. هایلند (۲۰۰۱) و اشورس و بنیستر (۱۹۹۷) نظر دانشجویان و استادان را درباره اهمیت و جدیت ارتکاب سرقت ادبی ارزیابی کردند و متوجه شدند که استادان نسبت به ارتکاب سرقت ادبی حساس‌تر هستند و در نتیجه، کمتر مرتکب آن می‌شوند. ایوانز و کریگ (۱۹۹۰) نیز گزارش دادند که دانش‌آموزان دبیرستانی، نسبت به دانشجویان حساسیت کمتری به ارتکاب سرقت ادبی نشان می‌دهند و در نتیجه بیشتر مرتکب آن می‌شوند.

برای بررسی ارتباط بین شیوع سرقت ادبی و جدیت و اهمیت ارتکاب آن در ایران از منظر سردبیران، استادان و دانشجویان، ضریب هبستگی پیرسون بین شیوع سرقت ادبی و اهمیت ارتکاب آن محاسبه شد.

جدول شماره ۲. ضریب همبستگی بین شیوع و اهمیت ارتکاب سرقت ادبی

		سردبیران		استادان		دانشجویان	
		شیوع	جدیت	شیوع	جدیت	شیوع	جدیت
شیوع	Pearson Correlation	۱	-.۵۸۸	۱	-.۵۳۳	۱	-.۶۲۹
	Sig. (2-tailed)		.۰۷۴		.۱۱۳		.۰۵۲
	N	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
جدیت	Pearson Correlation	-.۵۸۸	۱	-.۵۳۳	۱	-.۶۲۹	۱
	Sig. (2-tailed)	.۰۷۴		.۱۱۳		.۰۵۲	
	N	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰

همان‌طور که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، این ضریب برای سردبیران ($r=-.588, n=10$)، استادان ($r=-.533, n=10, p=.074$)، دانشجویان ($r=-.629, n=10, p=.052$) است. جدول فوق نشان می‌دهد که ارتباط و همبستگی منفی بین شیوع سرقت ادبی و جدیت و اهمیت ارتکاب آن، در بین هر سه گروه وجود دارد؛ هرچند این ارتباط و همبستگی از لحاظ آماری مهم و معنا دار نیست.

۲-۵- سوالات تشریحی

برای درک بهتر و عمیق‌تر دلایل شیوع و رواج سرقت ادبی در ایران که می‌تواند منجر به کاهش این پدیده شود (دولین و گری، ۲۰۰۷)، علاوه بر پرسشنامه iThenticate از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا به دو سؤال تشریحی نیز پاسخ دهند و علل شیوع و رواج سرقت ادبی در ایران و راهکارهای پیشنهادی خود را برای مقابله با آن عرضه کنند.

۶- دلایل شیوع و رواج سرقت ادبی در ایران

جدول شماره ۳ علل شیوع و رواج سرقت ادبی در ایران، فراوانی و درصد هر یک از موارد پیشنهادی سردبیران نشریات علمی، استادان دانشگاه و دانشجویان را نمایش می‌دهد که در ذیل به اختصار به آن‌ها می‌پردازیم.

جدول شماره ۳. علل شیوع و رواج سرقت ادبی در ایران، از دیدگاه سردبیران نشریات علمی، استادان دانشگاه و دانشجویان

فراوانی	درصد	سردبیران نشریات علمی
۱۰	۸۳,۳٪	۱. رواج فرهنگ تبدیلی و تقلب در میان ایرانیان
۱۰	۸۳,۳٪	۲. رواج مدرک گرایی
۸	۶۶,۶٪	۳. نداشتن آگاهی کافی از سرقت ادبی، انواع آن و عواقب ارتکاب آن
۷	۵۸,۳٪	۴. اتکای استادان به دانشجویان و کار آن‌ها برای ارتقای خود
۴	۳۳,۳٪	۵. سهولت ورود به مقطع کارشناسی ارشد و دکترا
		استادان دانشگاه
۳۵	۸۵,۴٪	۱. منوط ساختن ارتقای اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها به چاپ مقاله
۳۱	۷۵,۶٪	۲. رواج فرهنگ تبدیلی و تقلب در میان ایرانیان
۲۴	۵۸,۵٪	۳. اتکای استادان به دانشجویان و کار آن‌ها برای نوشتن مقاله
۲۲	۵۳,۶٪	۴. رواج مدرک گرایی
۱۹	۴۶,۳٪	۵. نداشتن آگاهی کافی از سرقت ادبی، انواع آن و عواقب ارتکاب آن
۱۲	۲۹,۳٪	۶. شرایط اقتصادی نامناسب
۱۱	۲۶,۸٪	۷. سهولت ورود به مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا
		دانشجویان
۱۰۱	۹۰,۲٪	۱. عدم آگاهی کافی از سرقت ادبی، انواع آن و عواقب ارتکاب آن
۹۳	۸۳٪	۲. مدارا و غفلت استادان
۸۹	۷۹,۴٪	۳. اعمال فشار زیاد بر دانشجویان برای تکالیف فراتر از سطح توانایی آن‌ها
۷۱	۶۳,۴٪	۴. نداشتن مهارت کافی برای انجام تحقیق علمی
۵۹	۵۲,۶٪	۵. سهولت انجام سرقت ادبی
۴۴	۳۹,۳٪	۶. نداشتن دانش زبانی مناسب و کافی
۴۱	۳۶,۶٪	۷. رواج سرقت ادبی در بین سایر دانشجویان و تأثیرپذیری از آن‌ها
۳۹	۳۴,۸٪	۸. رواج مدرک گرایی
۳۱	۲۷,۶٪	۹. یک شبه ره صد ساله پیمودن

نگاهی اجمالی به جدول بالا نشان می‌دهد که «رواج مدرک‌گرایی» و «نداشتن آگاهی کافی از سرقت ادبی، انواع آن و عواقب ارتکاب آن» از دیدگاه هر سه گروه و همچنین «رواج فرهنگ تبلی و تقلب در میان ایرانیان»، «اتکا اساتید به دانشجویان و فعالیت‌های آن‌ها برای ارتقای خود» و «سهولت ورود به مقطع کارشناسی ارشد و دکتر» از دیدگاه سردبیران و استادان از مهم‌ترین عوامل شیوع و رواج سرقت ادبی در ایران قلمداد می‌شوند.

۶-۱- رواج فرهنگ تبلی و تقلب در میان ایرانیان

یکی از مهم‌ترین علل شیوع سرقت ادبی در ایران از دیدگاه سردبیران (۸۳٪) و استادان (۷۵٪) رواج فرهنگ تبلی و تقلب در میان ایرانیان بود. نتایج سایر تحقیقات انجام شده درباره سرقت ادبی در ایران، این موضوع را تأیید می‌کند که متأسفانه این فرهنگ به شدت و به خصوص در سال‌های اخیر، در حال رواج یافتن است (بابایی و نژادقنبر، ۲۰۱۷؛ سهرابی و همکاران، ۲۰۱۱). هرچند برخی از محققان نظیر اینترونا، هایس، بلر و وود (۲۰۰۳) و آدینگر و کوتیله (۲۰۱۱) معتقدند که درک سرقت ادبی، ممکن است در فرهنگ‌های مختلف متفاوت باشد، اما به نظر می‌رسد که رواج مشکلاتی از قبیل فریبکاری، دروغ‌گویی، تقلب و تبلی دامنگیر محیط‌های آکادمیک نیز شده است. نظر یکی از استادان در ذیل مؤید این ادعاست:

«متأسفانه در سال‌های اخیر، فرهنگ دروغ، تقلب و پارتی‌بازی در همه ابعاد زندگی اکثر ما و در نتیجه محیط‌های آموزشی رسوخ کرده است.»

۶-۲- رواج مدرک‌گرایی

از دیدگاه سردبیران (۸۳٪)، استادان (۵۳٪) و دانشجویان (۳۵٪) رواج مدرک‌گرایی در میان ایرانیان، یکی دیگر از علل مهم ارتکاب سرقت ادبی است. اخذ مدرک صرف‌نظر از علاقه، توانایی یا فراگیری دانش، یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های ورود به دانشگاه برای بسیاری از دانشجویان است و این دانشجویان که معمولاً ملزم به عرضه تحقیق علمی یا نوشتن پایان‌نامه برای فارغ‌التحصیلی هستند، سرقت ادبی را در حکم ساده‌ترین و کوتاه‌ترین روش ممکن برای اخذ مدرک مورد نیازشان انتخاب می‌کنند. تأکید و توجه اکثر مراکز آموزشی بر روی کمیت تولیدات علمی معطوف است که خود این امر نیز می‌تواند به افزایش سرقت ادبی دامن‌بزند (سهرابی و همکاران، ۲۰۱۱). یکی از دانشجویان درباره این موضوع چنین اظهار داشت:

«.....وقتی که پس از فارغ‌التحصیلی در صورت خوش‌شانسی قرار است در جایی که به‌هیچ‌وجه به رشته تحصیلی ما ارتباط ندارد، مشغول به کار شویم و فقط مدرک تحصیلی ما مورد نیاز است، نیازی به انجام کارهای علمی عمیق و باکیفیت نداریم.»

۶-۳- نداشتن آگاهی کافی از سرقت ادبی، انواع و عواقب ارتکاب آن

اکثر دانشجویان (۹۰٪) و تعداد زیادی از سردبیران و استادان، نداشتن آگاهی کافی از سرقت ادبی، انواع و عواقب ارتکاب آن را یکی دیگر از دلایل عمده سرقت ادبی در ایران برشمردند. تحقیقات بسیاری در ایران (احمدی، ۲۰۱۴؛ امیری و رزمجو، ۲۰۱۶؛ بابایی و نژادقنبر، ۲۰۱۷؛ رضانژاد و رضایی، ۲۰۱۳) و خارج از کشور (ارکایا، ۲۰۰۹؛ بریگز، ۲۰۰۹؛ پکوراری، ۲۰۰۳؛ ویلر، ۲۰۰۹) نشان می‌دهد که درک بسیار سطحی از سرقت ادبی، به‌خصوص در میان دانشجویان وجود دارد. نظام آموزشی کشور می‌بایست با برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی و آگاهی‌دهنده، استادان حوزه آموزش را با مفهوم سرقت ادبی، انواع آن، و عواقب ناشی از ارتکاب آن آشنا سازد تا استادان خبره و مجرب بتوانند این مفاهیم را به دانشجویان خود انتقال دهند و حساسیت لازم را در آنان برای عدم ارتکاب سرقت ادبی ایجاد کنند. اظهار نظر یکی از دانشجویان درباره این موضوع چنین است:

«..... به نظر من حتی اساتید ما هم اطلاع دقیقی و کاملی از مفهوم سرقت ادبی ندارند و عمدتاً نسبت به کپی بدون استناد مطالب از مقالات دیگر حساسیت نشان می‌دهند..... در واقع آن‌ها فقط با همین یک مورد (سرقت ادبی) آشنا هستند.»

۶-۴- منوط ساختن ارتقای اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها به چاپ مقاله

از منظر استادان (۸۵٪) فشار فزاینده بر روی آن‌ها، برای تولید آثار پژوهشی، مهم‌ترین علت شیوع سرقت ادبی قلمداد شده است. منوط ساختن ارتقای اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها به چاپ مقالات علمی - پژوهشی، نه تنها آنان را از پیشرفت علمی باز داشته بلکه در بسیاری از موارد، رواج تخلف، تقلب، و سرقت ادبی را افزایش داده است (بهادری، ایزدی و حسین پورفرد، ۲۰۱۲؛ حبیب زاده، ۲۰۰۸). مسئولان آموزش عالی کشور می‌بایست با تعدیل قوانین موجود، راه را بر رواج سرقت ادبی ببندد و با اهمیت و تأکید بیشتر بر کیفیت آثار علمی، این

فرصت را برای استادان فراهم آورند تا بتوانند در سیستم فعلی پیشرفت کنند و آموزش و کیفیت آثار خود را فدای کمیت و کسب رتبه بالاتر و ارتقا نکنند. نظر یکی از استادان در این مورد قابل تأمل است:

«من خودم شخصاً ارزش چندانی برای آموزش قائل نیستم و اکثر وقت خودم را صرف پژوهش می‌کنم.... و کاملاً واقف هستم که کمیت مقالات، بسیار مهم‌تر از کیفیت آن‌هاست.»

۶-۵- اتکا استادان به دانشجویان و کار آن‌ها برای ارتقای خود

یکی دیگر از علل رواج سرقت ادبی در محیط‌های علمی ایران، از دیدگاه سردبیران و استادان، اتکای استادان به فعالیت‌های پژوهشی دانشجویان است. متأسفانه اجباراستادان برای تولید آثار پژوهشی باعث شده برخی از آنان، دانشجویان را برای پیشبرد اهداف خود، مورد سوء استفاده قرار دهند و این کار، نقض واضح و آشکار اصول اخلاقی پژوهش و یکی از نمونه‌های بارز سرقت ادبی به‌شمار می‌آید؛ از طرف دیگر، فشار استادان بر روی دانشجویان، برای عرضه آثار پژوهشی مطلوب، آن‌ها را به سوی ارتکاب سرقت ادبی سوق می‌دهد؛ برای مثال یکی از سردبیران درباره این موضوع چنین اظهار نظر کرده بود:

«در برخی از موارد، مقالات ارسالی به مجلات به حدی آلوده به سرقت ادبی هستند که به وضوح می‌توان دریافت که استاد فرستنده، یک کار دانشجویی را بدون اعمال کمترین نظارت و کنترلی به نام خود به مجله ارسال کرده است.»

۶-۶- سهولت ورود به مقطع کارشناسی ارشد و دکترا

دانشجویانی که به سهولت و بدون دانش و توان علمی لازم، وارد مقاطع تحصیلی کارشناسی ارشد و دکترا می‌شوند، ناگهان از طرف استادان خود، ملزم به عرضه آثار پژوهشی باکیفیت می‌شوند و از آنجایی که توانایی علمی لازم را برای انجام این کار ندارند، به سمت سرقت ادبی گرایش پیدا می‌کنند؛ از طرف دیگر، افزایش پذیرش دانشجویان، در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا از یک سو دانشجویان بسیاری را مشغول به تحصیل نگه می‌دارد ولی از سوی دیگر، انتظارات شغلی آینده آنان را برآورده نمی‌کند و انگیزه آن‌ها را برای تلاش مضاعف از

بین می‌برد. بیکاری ناشی از این سهولت ورود به مقاطع بالای تحصیلی برای جامعه، خطری بالقوه است که نمی‌توان به‌سادگی از آن گذشت. یکی از استادان درباره‌این موضوع چنین اظهار نظر کرده بود:

«وقتی که بعضی از دانشجویان کارشناسی ارشد، حتی قادر به صحبت کردن صحیح و روان انگلیسی نیستند، چگونه می‌توان از آن‌ها انتظار داشت بدون ارتکاب سرقت ادبی، به انگلیسی پایان نامه بنویسند.»

۶-۷- شرایط اقتصادی نامناسب

شرایط اقتصادی نامناسب، باعث می‌شود پژوهشگران به جای اختصاص وقت، انرژی و تمرکز خود بر روی پژوهش، مشغول امرار معاش و کار کردن باشند. برخی از محققان خاطرنشان می‌کنند افرادی که به‌رغم فعالیت‌های پژوهشی، مجبور به کار کردن در محیط‌های غیر علمی نیز هستند، بیشتر مرتکب سرقت ادبی می‌شوند (سهرابی و همکاران، ۲۰۱۱؛ گرنیتز و لواوی، ۲۰۰۷؛ میگوال، ۲۰۰۱). اوضاع نابسامان اقتصادی، می‌تواند منشأ بسیاری از جرائم، از جمله سرقت ادبی تلقی شود. ممکن است برخی از استادان برای کسب رتبه بالاتر و حقوق و درآمدی بیشتر و دانشجویان برای پیمودن هر چه سریع‌تر پله‌های موفقیت و ترقی و یافتن شغل یا یک منبع درآمد، مرتکب سرقت ادبی شوند.

۶-۸- مدارا و غفلت استادان

از منظر دانشجویان (۸۳٪) غفلت و مدارای استادان، دومین دلیل عمده شیوع سرقت ادبی بود. تحقیقات زیادی که در ایران انجام شده‌اند، این نظریه را تأیید می‌کنند که چشم‌پوشی و مدارای استادان بر رواج سرقت ادبی دامن می‌زند (احمدی، ۲۰۱۲؛ امیری و رزمجو، ۲۰۱۶؛ بابایی و نژادقنبر، ۲۰۱۷؛ رضائزاد و رضایی، ۲۰۱۳). عوامل متعددی از قبیل اطمینان دانشجویان از مواجه نشدن با تنبیه جدی به‌توسط استاداندر صورت کشف سرقت ادبی آن‌ها (میو، ۲۰۱۰)، اطمینان دانشجویان از ناتوانی استادان در تشخیص تخلف آن‌ها (جونز، رید، و بارتلت، ۲۰۰۵)، نادیده گرفتن تخلفات ادبی دانشجویان به‌وسیله استادان (برنت، ۲۰۰۲) و نداشتن تسلط کافی استادان بر محیط اینترنت (گرنیتز و لواوی، ۲۰۰۷) می‌توانند باعث شیوع بیشتر سرقت ادبی در میان دانشجویان شوند.

۶-۹- اعمال فشار زیاد به دانشجویان برای دادن تکالیف فراتر از سطح توانایی آن‌ها

نتایج پژوهش‌های متعدد در داخل (امیری و رزمجو، ۲۰۱۶؛ بابایی و نژادقنبر، ۲۰۱۷؛ رضانژاد و رضایی، ۲۰۱۳) و خارج از ایران (دیواس و روزاتی، ۲۰۰۲؛ کالاهان، ۲۰۰۴؛ ویلکینسن، ۲۰۰۹) نشان می‌دهند که اعمال فشار بر روی دانشجویان، برای تولید آثار پژوهشی، می‌تواند منجر به شیوع سرقت ادبی شود. دانشجویان می‌بایست متناسب با سطح توانایی علمی خود، مورد بازخواست قرارگیرند و تکالیف داده‌شده با سطح دانش و توانایی آن‌ها سازگار باشد؛ در غیر این صورت، دانشجویان دل‌زده خواهند شد و برای برآورده کردن انتظارات نامعقول و غیرواقعی استادان، دست به ارتکاب انواع سرقت ادبی بزنند. یکی از دانشجویان درباره این موضوع، چنین اظهار نظر کرد:

«صرف نظر از امتحانات میان ترم و پایان ترم و سایر فعالیت‌های در طول ترم، همه اساتید از ما می‌خواهند که یک مقاله باکیفیت برای پایان ترم ارائه دهیم. آیا خود آن‌ها می‌توانند ۴ یا ۵ مقاله باکیفیت در طول یک ترم آماده کنند؟ آیا چنین کاری بدون توسل به سرقت ادبی امکان‌پذیر است؟»

۶-۱۰- نداشتن مهارت کافی برای انجام تحقیق علمی

نداشتن مهارت کافی، برای انجام تحقیق علمی، یکی از عللی است که بعضی از دانشجویان را به سمت ارتکاب سرقت ادبی سوق می‌دهد (بابایی و نژادقنبر، ۲۰۱۷؛ پکوراری و پتريک، ۲۰۱۴؛ لیو، ۲۰۰۵؛ دولین و گری، ۲۰۰۷). لازمه انجام تحقیق علمی، مبری از هر گونه سرقت ادبی، آشنایی با اصول ابتدایی تحقیق و تسلط و مهارت کافی برای انجام آن است. نظام آموزشی می‌بایست با برنامه‌ریزی مدون و اصولی استادانی مجرب و خبره تربیت کند تا در انتقال مفاهیم اولیه تحقیق، مهارت لازم را داشته باشند و بتوانند انگیزه و اشتیاق کافی در دانش‌آموزان و دانشجویان، برای انجام تحقیق علمی و رعایت اصول اخلاقی آن پدید آورند. نظر یکی از دانشجویان درباره این موضوع قابل تأمل است:

«همه فقط از ما می‌خواهند آثار پژوهشی با استانداردهای بالا ارائه دهیم، ولی هیچ کس به ما به صورت اصولی آموزش نمی‌دهد که چگونه این کار باید صورت بگیرد.»

۷- راهکارهای پیشنهادی برای مقابله با سرقت ادبی در ایران

جدول شماره ۴. راهکارهای پیشنهادی سردبیران نشریات علمی، استادان دانشگاه و دانشجویان برای مقابله با سرقت ادبی در ایران

فراوانی	درصد	سردبیران نشریات علمی
۱۱	۹۱,۶٪	۱. فرهنگ‌سازی صحیح از سطوح پایه
۱۰	۸۳,۳٪	۲. وضع قوانین سخت‌گیرانه و تنبیه جدی خاطیان
۱۰	۸۳,۳٪	۳. آموزش و اطلاع‌رسانی کامل و صحیح درباره سرقت ادبی و عواقب ارتکاب آن
۸	۶۶,۶٪	۴. عدم اجبار استادان و دانشجویان برای چاپ مقاله
۳	۲۵٪	۵. برخورد با مؤسسات آموزشی بی کیفیت
		استادان دانشگاه
۳۴	۸۲,۹٪	۱. عدم اجبار استادان و دانشجویان برای چاپ مقاله
۳۲	۷۸٪	۲. وضع قوانین سخت‌گیرانه و تنبیه جدی خاطیان
۲۹	۷۰,۷٪	۳. آموزش و اطلاع‌رسانی کامل و صحیح درباره سرقت ادبی و عواقب ارتکاب آن
۲۴	۵۸,۵٪	۴. فرهنگ‌سازی صحیح از سطوح پایه
		۵. پذیرش تعداد متعارف دانشجو، همراه با آزمون‌های استاندارد در مقاطع
۱۴	۳۴,۱٪	کارشناسی ارشد و دکترا
۱۰	۲۴,۴٪	۶. ارتقای معیشت استادان و دانشجویان
		دانشجویان
۱۰۴	۹۲,۸٪	۱. آموزش و اطلاع‌رسانی کامل و صحیح درباره سرقت ادبی و عواقب ارتکاب آن
۹۱	۸۱,۲٪	۲. وضع قوانین سخت‌گیرانه و تنبیه جدی خاطیان
۸۶	۷۶,۸٪	۳. حساسیت بیشتر استادان به مقوله سرقت ادبی
۸۱	۷۲,۳٪	۴. عدم اجبار دانشجویان برای چاپ مقاله و انجام تکالیف فراتر از توانایی آن‌ها
۶۳	۵۶,۲٪	۵. فرهنگ‌سازی صحیح از سطوح پایه
۴۴	۳۹,۳٪	۶. مبارزه قاطع و جدی با پدیده پایان نامه و مقاله فروشی
۲۹	۲۵,۹٪	۷. آموزش مهارت‌های لازم برای انجام تحقیق علمی

جدول بالا نشان می‌دهد که «فرهنگ‌سازی صحیح از سطوح پایه»، «وضع قوانین سخت‌گیرانه و تنبیه جدی خاطیان»، «آموزش و اطلاع‌رسانی کامل و صحیح درباره سرقت ادبی و عواقب ارتکاب آن» و «عدم اجبار استادان و دانشجویان برای چاپ مقاله» از مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی هر سه گروه، برای مقابله با سرقت ادبی محسوب می‌شوند.

۷-۱- فرهنگ‌سازی صحیح از سطوح پایه

فرهنگ‌سازی صحیح از سطوح پایه، به خصوص آموزش و پرورش، یکی از مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی سردبیران (۹۱٪)، استادان (۵۸٪) و دانشجویان (۵۶٪) برای مبارزه و مقابله با سرقت ادبی بود. مسئولان نظام آموزشی و دست‌اندرکاران می‌بایست با بسترسازی مناسب و برنامه‌ریزی مدون، از سطوح پایه و ابتدایی دانش‌آموزان را به رعایت امانتداری علمی و اصول اخلاقی پژوهش ترغیب و آشنا کنند. این امر سبب می‌شود که چهارچوب مشخصی در اذهان مخاطبان شکل گیرد و این زمینه‌سازی به ایجاد تحول و فرهنگ‌سازی نظام‌مند و مناسب می‌انجامد. فرهنگ‌سازی صحیح، امری خطیر و فرایندی زمان‌بر و بلندمدت است که باید از همان سطوح ابتدایی آموزش، مورد توجه قرار گیرد؛ برای مثال رضائزاد و رضایی (۲۰۱۳) در پژوهشی دریافتند که تعداد چشمگیری از شرکت‌کنندگان در پژوهش آن‌ها، برای اولین بار، از طریق استادان خود در دانشگاه، با واژه سرقت ادبی آشنا شده‌اند که این مطلب، به‌خوبی بیان‌کننده فقدان فرهنگ‌سازی در مدارس ماست؛ بنابراین، همان‌طور که مرامارک و ملین (۱۹۹۳) بیان می‌کنند از طریق فرهنگ‌سازی از سطوح پایین، می‌توان این پدیده شوم را ریشه‌کن کرد.

۷-۲- وضع قوانین سخت‌گیرانه و تنبیه جدی خاطیان

وضع قوانین سخت‌گیرانه و تنبیه جدی خاطیان، دومین راهکار پیشنهادی شرکت‌کنندگان در این پژوهش، برای مقابله با سرقت ادبی بود. نتایج تحقیقات بسیاری از محققان نشان داده است که عدم سخت‌گیری و برخورد جدی با متخلفان ادبی، می‌تواند منجر به افزایش آن شود (احمدی، ۲۰۱۴؛ پارک، ۲۰۰۴؛ دیویس و لودویگسن، ۱۹۹۵؛ میو، ۲۰۱۰). علاوه بر زمینه‌سازی و فرهنگ‌سازی در سطوح ابتدایی، وضع قوانین سخت‌گیرانه برای برخورد با متخلفان علمی، می‌تواند راهکاری در خور توجه باشد و در حکم عامل بازدارنده، برای بسیاری از متخلفان عمل کند. وضع قوانین سخت‌گیرانه به‌خودی‌خود، نمی‌تواند از رواج سرقت ادبی جلوگیری کنند، بلکه باید اراده‌ای جدی در مسئولان آموزش عالی، برای برخورد با سارقان ادبی وجود

داشته باشد. بدیهی است وضع قوانین مناسب، در صورتی می‌توانند راه را بر پیشروی متخلفان علمی ببندد که همراه با اجرایی شدن آن قوانین باشد و صرف‌نظر از هر گونه منصب، فرد متخلف، متناسب با تخلف علمی خود، مجازات شود و راهی برای دور زدن قوانین وضع شده وجود نداشته باشد.

۳-۷- آموزش و اطلاع‌رسانی کامل و صحیح درباره سرقت ادبی و عواقب ارتکاب آن

همسو با بسیاری از تحقیقات انجام شده در زمینه سرقت ادبی (احمدی، ۲۰۱۴؛ استفانی و کارول، ۲۰۰۱؛ بابایی و نژادقنبر، ۲۰۱۷؛ مکسول و همکاران، ۲۰۰۸؛ ویلر، ۲۰۰۹)، شرکت‌کنندگان این پژوهش نیز آموزش و اطلاع‌رسانی کامل و صحیح درباره سرقت ادبی و عواقب ارتکاب آن را راهکاری مناسب، برای مقابله با این تخلف علمی قلمداد کردند. بسیاری از پژوهشگران مبتدی، به علت نداشتن آگاهی کامل در مورد سرقت ادبی و عواقب ارتکاب آن و نبود قوانین شفاف و قاطع مرتکب سرقت ادبی می‌شوند (شیلا و میندی بارث، ۱۹۹۳). برای از بین بردن این نقیصه بسیار بزرگ، ایجاد آگاهی و اطلاع‌رسانی دقیق در مورد سرقت ادبی در دانش‌آموزان از سوی معلمان، از همان سطوح ابتدایی آموزش، امری ضروری است. آگاهی‌بخشی ابتدا باید در آموزگاران و محققان صورت پذیرد تا آن‌ها بتوانند دانش خود در مورد سرقت ادبی، انواع آن، راه‌های پیشگیری از ارتکاب آن و عواقب ناشی از ارتکاب آن را به درستی به دانش‌آموزان خود منتقل کنند (دولین، ۲۰۰۶).

۴-۷- عدم اجبار استادان و دانشجویان برای چاپ مقاله

امروزه بسیاری از استادان، برای ارتقا و حتی استخدام رسمی در مؤسسه آموزشی خود، ملزم به چاپ تعداد زیادی مقاله علمی-پژوهشی، در مدت زمان محدود تعیین شده هستند (حبیب زاده، ۲۰۰۸) و این فشار ناشی از اجبار استادان، به چاپ مقالات، نه تنها کمکی به پیشبرد اهداف والای پژوهش نمی‌کند، بلکه می‌تواند به تقلب و تخلفات بیشتر منجر شود (بهادری و همکاران، ۲۰۱۲). استرس و فشار زیاد، عملکرد و بازدهی استادان را هم در محیط علمی و هم در زندگی شخصی آنان، تحت الشعاع قرار می‌دهد و به شدت کاهش می‌دهد. دانشجویان نیز که بعضاً برای اخذ مجوز دفاع از پایان‌نامه، ملزم به چاپ مقاله مستخرج از پایان‌نامه خود هستند، به علت فشار و استرس ناشی از اینکار که تأثیر بسیار منفی بر عملکرد آن‌ها می‌گذارد، ممکن است اصول اخلاقی تحقیق را زیر پا بگذارند و به سرقت ادبی متوسل شوند.

۷-۵- حساسیت بیشتر استادان به مقوله سرقت ادبی

حساسیت بیشتر استادان به مقوله سرقت ادبی و موارد مربوط به آن، دانشجویان را نیز به این مقوله حساس‌تر و جدی‌تر می‌سازد. نتایج بسیاری از تحقیقات انجام شده در ایران، نشان می‌دهد که عدم حساسیت و ملایمت استادان به تخلفات علمی دانشجویان منجر به افزایش آن‌ها می‌شود (احمدی، ۲۰۱۴؛ امیری و رزمجو، ۲۰۱۶؛ بابایی و نژادقنبر، ۲۰۱۷؛ رضائزاد و رضایی، ۲۰۱۳). هنگامی که دانشجویان متوجه می‌شوند که استادان آن‌ها وقت زیادی صرف بررسی تکالیف دانشجویی نمی‌کنند (برنت، ۲۰۰۲)، در صورت آشکار شدن تخلف به صورت جدی تنبیه نمی‌شوند (میو، ۲۰۱۰) و یا اینکه به رغم مواجهه با موارد آشکار سرقت ادبی استادان ترجیح می‌دهند وارد تنش و کشمکش با دانشجوی متخلف نشوند (بیورکلاند و ونستام، ۱۹۹۹) بیشتر به سمت سرقت ادبی متمایل می‌شوند.

۷-۶- پذیرش تعداد متعارف دانشجو همراه با آزمون‌های استاندارد در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا

افزایش پذیرش دانشجو در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری، دانشجویان فارغ‌التحصیل بیکار بی‌شماری در کشور در این مقاطع تحصیلی به همراه داشته که برآوردن توقعات شغلی آنان امری غیرممکن به نظر می‌رسد. این امر موجب بی‌انگیزگی و دلسردی دانشجویان برای تلاش مضاعف و انجام فعالیت‌های پژوهشی باکیفیت می‌شود. از طرف دیگر، سهولت ورود به مقاطع تحصیلات تکمیلی، باعث می‌شود دانشجویانی با بنیه و توانایی‌های علمی ضعیف وارد این مقاطع شوند که توانایی‌های لازم برای انجام تحقیقات علمی باکیفیت را ندارند.

۷-۷- مبارزه قاطع و جدی با پدیده پایان‌نامه و مقاله‌فروشی

در گزارش‌های اخیر که بسیار تکان‌دهنده و هشداردهنده برای همه به‌ویژه مسئولان ذی‌ربط است، پدیده شوم پایان‌نامه‌فروشی و مقاله‌فروشی در ایران، بسیار رایج و حتی عادی جلو داده شده است (استون، ۲۰۱۶). بسیاری از شرکت‌کنندگان در این پژوهش، این پدیده را مایوس‌کننده، شرم‌آور و حتی تحقیرکننده برای اهالی دانشگاه و محیط‌های علمی ایران قلمداد کردند. این پدیده شوم که به صورت علنی، در معابر و خیابان‌های شهرهایی نظیر تهران تبلیغ می‌شود، نمونه بارز ترویج و شایع بودن سرقت ادبی در ایران است که به شدت چهره جامعه

علمی ایران را خدشه‌دار کرده است و بازخورد بسیار منفی بین جوانان علاقه‌مند به ادامه تحصیل و انجام فعالیت‌های علمی باکیفیت دارد و آن‌ها را دلسرد می‌کند.

۷-۸- آموزش مهارت‌های لازم برای انجام تحقیق علمی

نتایج تحقیقات بسیاری در داخل (احمدی، ۲۰۱۴؛ امیری و رزمجو، ۲۰۱۶؛ بابایی و نژادقنبر، ۲۰۱۷) و خارج از ایران (اشورث و بنیستر، ۱۹۹۷؛ پکوراری و پتربیک، ۲۰۱۴؛ لیو، ۲۰۰۵؛ مارشال و گری، ۲۰۰۶) نشان می‌دهد که نداشتن مهارت‌های لازم، برای انجام تحقیق علمی، ممکن است دانشجویان را متوسل به ارتکاب سرقت ادبی کند. نداشتن دانش و مهارت کافی، در مواردی از قبیل ذکر صحیح منبع مورد استفاده (گوليفر و تاپسون، ۲۰۱۰) و استدلال صحیح و منطقی (مک کولوچ، ۲۰۱۲) می‌توانند پژوهشگران مبتدی را به‌رغم میل باطنی آن‌ها، به سمت سرقت ادبی سوق دهند؛ بنابراین، مهارت‌های انجام تحقیق علمی، از قبیل نحوه ارجاع به منبع مورد استفاده، نقل بیان و تفسیر، خلاصه‌نویسی، نقل قول مستقیم و غیره می‌بایست با بهره‌گیری از استادان خیره در حوزه پژوهش به دانشجویان آموزش داده شوند.

۷-۹- ارتقای معیشت استادان و دانشجویان

ارتقای معیشت دانشجویان و استادان، این امکان را برای آن‌ها مهیا می‌سازد تا تمام وقت، انرژی و تمرکز خود را بر روی تولید آثار علمی با کیفیت معطوف کنند. برخی از محققان خاطرنشان می‌کنند افرادی که علاوه بر فعالیت‌های پژوهشی، مجبور به کار کردن در محیط‌های غیرعلمی نیز هستند، بیشتر مرتکب سرقت ادبی می‌شوند (سهرابی و همکاران، ۲۰۱۱؛ گرینیتز و لوای، ۲۰۰۷؛ میگوال، ۲۰۰۱). برآورده کردن این نیاز و رفع این نگرانی، فقط در محدوده اختیارات حوزه آموزش و نظام آموزشی نیست. این امر مسئله‌ای کلان است که با اصلاح نظام اقتصادی کشور و بهبود وضع معیشتی مردم، مرتفع خواهد شد.

۷-۱۰- برخورد با مؤسسات آموزشی بی‌کیفیت

رشد قارچ‌گونه مؤسسات آموزشی بی‌کیفیت که کسب درآمد و سود، عمده‌ترین هدف آن‌هاست، لطمات جبران‌ناپذیری به نظام آموزشی کشور وارد کرده است. این مؤسسات، معمولاً دارای کادر آموزشی ضعیف و بی‌تجربه هستند که معمولاً برای ارتقای خود یا انجام

پایان‌نامه‌های دانشجویان، کیفیت را فدای کمیت می‌کنند. صدور مجوز تأسیس مؤسسات علمی، می‌بایست نظام‌مندتر و با رعایت همه ضوابط علمی صورت پذیرد. نظارت مستمر و مسئولانه، برگزاری آزمون‌های استاندارد برای پذیرش دانشجو و رتبه‌بندی مؤسسات، به صورت شفاف، می‌تواند راه‌کارهای مناسبی برای ارتقای کیفیت این مؤسسات باشند.

۸- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، به بررسی دیدگاه سردبیران مجلات علمی، استادان و دانشجویان رشته‌های مرتبط با زبان انگلیسی درباره شیوع و اهمیت انواع مختلف سرقت ادبی در ایران و همچنین علل ارتکاب و راه‌های پیشگیری از آن‌ها پرداخت. پیچیدگی مقوله سرقت ادبی و دلایل ارتکاب آن (دی‌واس و روساتی، ۲۰۰۲؛ عباسی و گریوز، ۲۰۰۸)، و نیاز مبرم بررسی دیدگاه همه دست‌اندرکاران جوامع علمی برای مبارزه با این پدیده رو به رشد (فلینت و همکاران، ۲۰۰۶؛ شاترلند-اسمیت، ۲۰۰۸) از موارد مهمی هستند که مورد تأکید پژوهشگران قرار گرفته‌اند.

یافته‌های تحقیق نشان داد که از دیدگاه هر سه گروه شرکت‌کننده در این پژوهش، تقریباً همه موارد سرقت ادبی رواج نسبتاً زیادی در ایران دارند و در مجموع، سردبیران و استادان نسبت به ارتکاب همه موارد سرقت ادبی، حساسیت بیشتری نشان دادند و ارتکاب آن‌ها را تخطی جدی و مهم قلمداد کردند. این نتیجه بیان‌کننده این مطلب است که افزایش آگاهی از تبعات ارتکاب سرقت ادبی، می‌تواند منجر به افزایش حساسیت نسبت به ارتکاب آن‌ها و در نتیجه کاهش بروز سرقت ادبی شود.

از دیدگاه شرکت‌کنندگان در این پژوهش، مواردی از قبیل فقدان آموزش صحیح و فرهنگ‌سازی مناسب، از سطوح پایه، رواج فرهنگ تنبلی و تقلب در میان ایرانیان، نداشتن آگاهی کافی از سرقت ادبی، انواع آن و عواقب ارتکاب آن و اجبار استادان و دانشجویان به عرضه آثار پژوهشی و تکالیف فراتر از توانایی آن‌ها برای ارتقا، کسب رتبه یا مدرک دانشگاهی بالاتر به مثابه علل عمده رواج و شیوع سرقت ادبی در جامعه علمی ایران قلمداد شدند.

فرهنگ‌سازی صحیح و اصولی از سطوح پایه، وضع قوانین سخت‌گیرانه و تنبیه جدی خاطیان، آموزش و اطلاع‌رسانی کامل و صحیح درباره سرقت ادبی و عواقب ارتکاب آن، عدم اجبار استادان و دانشجویان، برای تولید آثار علمی و آموزش مفاهیم و مهارت‌های لازم برای انجام تحقیق علمی، به دانشجویان از طریق استادان خبره، آموزش‌دیده و مجرب از مهم‌ترین

راهکارهای پیشنهادی شرکت‌کنندگان در این مطالعه، برای مقابله با سرقت ادبی بود. به نظر می‌رسد که مبارزه با این پدیده شوم، نیازمند عزم جدی ملی است. مسئولان حوزه آموزش و پژوهش، می‌بایست با برنامه‌ریزی اصولی، مدون و بلند مدت از مخدوش شدن چهره علمی کشورمان جلوگیری کنند.

در تفسیر یافته‌های این پژوهش، می‌بایست این مطلب مدنظر قرار داده شود که تحقیق فعلی، فقط به بررسی دیدگاه استادان، دانشجویان و سردبیران مجلات رشته‌های مرتبط با زبان انگلیسی، اعم از مترجمی، ادبیات، و آموزش زبان انگلیسی پرداخته است و این مسئله می‌تواند تعمیم‌پذیری آن را تا حدی کاهش داده باشد. محدودیت دیگر به نمونه‌گیری این تحقیق برمی‌گردد که از طریق پرسشنامه الکترونیکی انجام پذیرفته و به علت ماهیت تحقیق و رعایت اصول حرفه‌ای و اخلاقی پژوهش، نمونه‌گیری از شرکت‌کنندگان، صرفاً بر اساس تمایل شخصی آنان برای کمک به پیشبرد اهداف این تحقیق بوده و این شرایط خاص، خود می‌توانسته محدودیتی برای پژوهشگران در نوع اجرای تحقیق ایجاد کرده باشد؛ به طوری که تعداد زیادی از شرکت‌کنندگان به علت نداشتن تمایل، از پاسخ به سؤالات صرف نظر کردند. محققان علاقه‌مند در آینده می‌توانند به بررسی جایگاه سرقت ادبی، از دیدگاه سایر دست‌اندرکاران رشته‌هایی به جز زبان انگلیسی بپردازند و برای افزایش تعمیم‌پذیری آماری آن، تعداد شرکت‌کنندگان را افزایش دهند و نوع ابزار مورد استفاده در پژوهش را تغییر دهند. بهره‌گیری تلفیقی از روش‌های تحقیق کمی (استفاده از پرسشنامه) و کیفی (مصاحبه و مشاهده) می‌تواند برای محققان علاقه‌مند به کاوش در حوزه سرقت ادبی راهگشا باشد و آن‌ها را در انجام تحقیقات دقیق‌تری یاری کند.

۹- منابع

- Abasi, A. R. & Graves, B. (2008). Academic literacy and plagiarism: Conversations with international graduate students and disciplinary professors. *Journal of English for Academic Purposes*, 7, 221-233. Doi:10.1016/j.jeap.2008.10.010
- Adiningrum, T. S., & Kutieleh, S. (2011). How different are? Understanding and managing plagiarism between east and west. *Journal of Academic Language and Learning*, 5(2), 88-98.
- Ahmadi, A. (2012) Cheating on exams in the Iranian EFL context. *Journal of Academic Ethics*, 10(2), 151-170. Doi:10.1007/s10805-012-9156-5.

- Ahmadi, A. (2014). Plagiarism in the academic context: A study of Iranian EFL learners. *Research Ethics*, 10(3), 151–168. DOI: 10.1177/1747016113488859
- Amiri, F. & Razmjoo, A. (2016). On Iranian EFL undergraduate students' perceptions of plagiarism. *Journal of Academic Ethics*, 14(2), 115–131. DOI: 10.1007/s10805-015-9245-3
- Ashworth, P., & Bannister, P. (1997). Guilty in whose eyes? University students' perceptions of cheating and plagiarism in academic work and assessment. *Studies in Higher Education*, 22(2), 187–204.
- Babaii, E. & Nejadghanbar, H. (2017). Plagiarism among Iranian graduate students of language studies: Perspectives and causes. *Ethics & Behavior*, 27(3), 240–258. DOI:10.1080/10508422.2016.1138864
- Bahadori, M. K., Izadi, M., & Hoseinpoufard, M. (2012). Plagiarism: Concepts, factors and solutions. *Iranian Journal of Military Medicine*, 14(3), 168–177.
- Briggs, R. (2009). Shameless! Reconceiving the problem of student plagiarism. *Journal of the Theoretical Humanities*, 14(1), 65–75.
- Bjorklund, M., & Wenestam, C. (1999). *Academic cheating: Frequency, methods and causes*. Proceedings of the 1999 European Conference on Educational Research, Lahti, Finland. Retrieved from <http://www.leeds.ac.uk/educol/documents/00001364.htm>.
- Burnett, S. (2002). Dishonor and distrust. *Community College Week*, 14(24), 6–8.
- Callahan, D. (2004). *Why more Americans are doing wrong: The cheating culture*. Orlando, Florida: Harcourt.
- Callaway, E. (2016). Publisher pulls 58 articles by Iranian scientists over authorship manipulation. *Nature*. Available from: URL: <http://www.nature.com/news/publisher-pulls-58-articles-by-iranianscientists-over-authorship-manipulation-1.20916>
- Crama, Y., Grabisch, M., & Martello, S. (2016). A brand new cheating attempt: A case of usurped identity. *4OR-A Quarterly Journal of Operations Research*, 14(4), 333–336. Doi: 10.1007/s10288-016-0329-8
- Davis, S. F., & Ludvigson, H.W. (1995). Additional data on academic dishonesty and a proposal for remediation. *Teaching of Psychology*, 22(2), 119–121.
- Devlin, M., & Gray, K. (2007). In their own words: A qualitative study of the reasons Australian university students plagiarize. *Higher Education Research and Development*, 26(2), 181–198. Doi:10.108007294360701310805/
- DeVoss, D. & Rosati, A. C. (2002). 'It wasn't me, was it?' Plagiarism and the web. *Computers and Composition*, 19, 191–203. Doi:10.1016/S8755-4615(02)00112-3
- Erkaya, O. R. (2009). Plagiarism by Turkish students: Causes and solutions. *Asian EFL Journal*, 11(2), 86–103.

- Evans, E. D., & Craig, D. (1990). Adolescent cognitions for academic cheating as a function of grade level and achievement status. *Journal of Adolescent Research*, 5, 325–345.
- Flint, A., Clegg, S., & Macdonald, R. (2006). Exploring staff perceptions of student plagiarism. *Journal of Further and Higher Education*, 30(2), 145–156.
- Flowerdew, J., & Li, Y. (2007). Plagiarism and second language writing in an electronic age. *Annual Review of Applied Linguistics*, 27, 161–183. Doi:10.1017/S0267190508070086
- Granitz, N., & Loewy, D. (2007). Applying ethical theories: Interpreting and responding to student plagiarism. *Journal of Business Ethics*, 72, 293–306.
- Gullifer, J., & Tyson, G. A. (2010). Exploring university students' perceptions of plagiarism: A focus group study. *Studies in Higher Education*, 33(4), 463–481.
- Habibzadeh, F. (2008). On stealing words and ideas. *Hepatitis Monthly*, 8(3), 171–172.
- Howard, R. M. (1993). A plagiarism penitence. *Journal of Teaching Writing*, 11(2), 233–246.
- Howard, R. M. (1995). Plagiarism, authorship and the academic death penalty. *College English*, 57(7), 788–806.
- Howard, R. M. (2007). Understanding "Internet plagiarism". *Computers and Composition*, 24(1), 3–15. Doi:10.1016/j.compcom.2006.12.005
- Hyland, F. (2001). Dealing with plagiarism when giving feedback. *ELT Journal*, 55(4), 375–381. Doi:10.1093/elt/55.4.375
- Introna, L., Hayes, N., Blair, L., & Wood, E. (2003). Cultural attitudes towards plagiarism: Developing a better understanding of the needs of students from diverse cultural backgrounds relating to plagiarism. Newcastle-upon-Tyne, UK: Plagiarism Advisory Service. Retrieved from http://online.northumbria.ac.uk/faculties/art/information_studies/Imri/Jiscpas/docs/external/lancsplagiarismreport.pdf
- iThenticate (2013). *Research ethics: Decoding plagiarism and attribution in research: Researcher Insights into the Types of Plagiarism and Attribution Issues*. Retrieved from <http://www.ithenticate.com/Portals/92785/docs/ithenticate-decoding-survey-summary-092413.pdf>
- Jones, D. L. R. (2011). Academic dishonesty: Are more students cheating? *Business Communication Quarterly*, 74(2), 141–150.
- Jones, K., Reid, J.M. & Bartlett, R. (2005). Student plagiarism and cheating in an IT age. *Proceedings of the International Conference on Computer Systems and Technologies*, Varna, Bulgaria. ISBN 954-9641-42-2.
- Ma, H., Yong Lu, E., Turner, S., & Wan, G. (2007). An empirical investigation of digital cheating and plagiarism among middle school student. *American Secondary Education*, 35(2), 69–82

- Macnab, N. & Thomas, G. (2007). Quality in research and the significance of community assessment and peer review: Education's idiosyncrasy. *International Journal of Research and Method in Education*, 30(3), 339–352.
- Mahdavi-Zafarghandi, A., Khoshroo, F., & Barkat, B. (2012). An investigation of Iranian EFL masters students' perceptions of plagiarism. *International Journal of Education Integrity*, 8(2), 69–85.
- Maramark, S., & Maline, M. B. (1993). *Issues in education: Academic dishonesty among college students*. Washington, DC: U.S. Department of Education, Office of Educational Research and Improvement.
- Marshall, S., & Garry, M. (2006). NESB and ESB students' attitudes and perceptions of plagiarism. *International Journal for Educational Integrity*, 2(1), 26–37.
- Maxwell, A. J., Curtis, G. J., & Vardanega, L. (2008). Does culture influence understanding and perceived seriousness of plagiarism? *International Journal for Educational Integrity*, 4(2), 25–40.
- McCulloch, S. (2012). Citations in search of purpose: Source use and authorial voice in L2 student writing. *International Journal for Educational Integrity*, 8(1), 55–69.
- Miguel, R. (2001). Plagiarism and paraphrasing criteria of college and university professors. *Ethics & Behavior*, 11, 307–323.
- Mu, C. (2010). 'I only cited some of his words': The dilemma of EFL students and their perceptions of plagiarism in academic writing. *The Journal of Asia TEFL*, 7(4), 103–132.
- Park, C. (2004). Rebels without a clause: Towards an institutional framework for dealing with plagiarism by students. *Journal of Further and Higher Education*, 28(3), 291–306.
- Pecorari, D. (2003). Good and original: Plagiarism and patchwriting in academic second language writing. *Journal of Second Language Writing*, 12(4), 317–345. Doi:10.1016/j.jslw.2003.08.004
- Plano Clark, L., & Creswell, J. W. (2014). *Understanding research: A consumer's guide* (2nd ed.). Upper Saddle River, NJ: Pearson Education.
- Rezanejad, A., & Rezaei, S. (2013). Academic dishonesty at universities: The case of plagiarism among Iranian language students. *Journal of Academic Ethics*, 11, 275–295. Doi:10.1007/s10805-013-9193-8.
- Sedighi, M. (2014). Quantitative development in the universities must be more purposeful. *Irna Bushehr*. Retrieved from <http://www.irna.ir/fa/News>.
- Shahghasemi, E., & Akhavan, M. (2015). Confessions of academic ghost authors: The Iranian experience. *Sage Open*, 5(1), 1–7.
- Sheila, M., & Mindi-Barth, M. (1993). *Academic dishonesty among college students. Issues in education*. Washington, DC: Office of Research.

- Shi, L. (2004) Textual borrowing in second-language writing. *Written Communication*, 21(2), 171–200.
- Sikes P (2009) Will the real author come forward? Questions of ethics, plagiarism, theft and collusion in academic research writing. *International Journal of Research and Method in Education*, 3(1), 13–24.
- Sohrabi, B., Gholipour, A., & Mohammadesmaeili, N. (2011). Effects of personality and information technology on plagiarism: An Iranian perspective. *Ethics & Behavior*, 21(5), 367–379. Doi:10.1080/10508422.2011.604294
- Stefani, L. & Carroll, J. (2001). A briefing on plagiarism. *LTSN Generic Centre Assessment Series No. 10. LTSN Generic Centre*. Retrieved from: <http://www.palatine.ac.uk/files/968>
- Stone, R. (2016). In Iran, a shady market for papers flourishes. *Science*, 353(6305). Doi: 10.1126/science.353.6305.1197
- Sutherland-Smith, W. (2008). *Plagiarism, the internet and student learning*. London, UK: Routledge.
- Wheeler, G. (2009). Plagiarism in the Japanese universities: Truly a cultural matter? *Journal of Second Language Writing*, 18(1), 17–29. Doi:10.1016/j.jslw.2008.09.004
- Wilkinson, J. (2009). Staff and student perceptions of plagiarism and cheating. *International Journal of Teaching and Learning in Higher Education*, 20(2), 98–105.
- Yosuf, D. S., & Masrom, U. M. (2011). Malaysian students' perception of plagiarism. *The International Journal of Language, Culture and Society*, 33(2), 1–7.
- Zamani, B. E., Azimi, A. S., & Soleimani, N. (2012). Differences in students' viewpoints about effective factors on plagiarism according to their gender and academic disciplines. *Ethics in Science & Technology*, 7(3), 1–12.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی